



معلمان
بزرگ

انقلاب اسلامی ایران، در سال ۱۳۵۷، هنگامی اوج گرفت که معلمان و دانش‌آموزان نیز با آن همراه شدند و مدرسه‌ها را به کانون‌های آگاهی و مبارزه تبدیل کردند. در همان سال، آن‌گاه که فاجعه سیزدهم آبان در مقابل دانشگاه تهران اتفاق افتاد و جمعی از دانش‌آموزان نیز به شهادت رسیدند، نقش تحول‌آفرین این قشر فرهیخته بارزتر شد و دیری نگذشت که انقلاب به پیروزی رسید. در جنگ تحمیلی هم معلمان و دانش‌آموزان نقش بسیار مهمی ایفا کردند که بر کسی پوشیده نیست. اگر تنها تعداد مدرسی را که به‌نام معلمان و دانش‌آموزان نام‌گذاری شده‌اند بشماریم، بر اهمیت این نقش بهتر واقف خواهیم شد.

اینک در سی و چهارمین سالگرد انقلاب اسلامی یاد می‌کنیم از شهید محمدابراهیم همت، معلمی که نه‌تنها در انقلاب حضور فعال داشت، بلکه بیش از آن در دفاع مقدس شرکت کرد و به «سردار خیبر» نام‌بردار شد تا به شهادت رسید. این ادای دین اندکی است از سوی مجله رشد معلم، به همه معلمان انقلابی و رزمنده، اعم از شهید یا حاضر، و دانش‌آموزان آنان.

محمدابراهیم همت در ۱۲ فروردین سال ۱۳۳۴ در شهرضا از مادر متولد شد. دوره کودکی و نوجوانی را در زادگاهش گذراند. به مدرسه رفت. دیپلم گرفت و در سال ۱۳۵۲ با پذیرفته شدن در آزمون ورودی دانش‌سرای راهنمایی تحصیلی اصفهان یا همان مرکز تربیت معلم، به تحصیل در رشته علوم انسانی ادامه داد. دو سال بعد فارغ‌التحصیل شد و به سربازی اعزام شد. سربازی را در لشکر توپخانه اصفهان گذراند. در این مدت مسئولیت آشپزخانه را به‌عهده‌داشت.

نقل است که هنگام ماه مبارک رمضان، به سربازانی که روزه می‌گرفتند، در هنگام سحر، سحری می‌داد و چون خبر به تیمسار ناجی، فرمانده لشکر، رسید، دستور داد همه سربازان به خط شوند و به آنان فرمان داد که آب بنوشند و روزه خود را باطل کنند.

انقلاب

همت در سال ۱۳۵۶، پس از خدمت سربازی، به استخدام آموزش و پرورش درآمد و در زادگاه خود شهرضا معلم مدارس راهنمایی شد. او که از نوجوانی نخست از مادرش و سپس در فضای مذهبی شهر با تعلیم دینی آشنا شده و در این سال‌ها نیز بر آگاهی خود افزوده بود، به‌عنوان معلمی فعال در عرصه مبارزه شناخته می‌شد. از این رو در ترغیب و تشویق دانش‌آموزان و همکاران خود به مطالعه و کسب بینش و آگاهی سعی وافر داشت. همین امر سبب شد که چندین نوبت از طرف ساواک احضار و به

ابراهیم همت

(۱۳۶۲-۱۳۳۴)

او اخطار شود و البته او این اخطارها را به چیزی نمی گرفت و کار خود را می کرد.

با گسترش بیشتر انقلاب، ابراهیم هم فعال تر شد و چون تحت تعقیب قرار گرفت، از شهر گریخت. نخست به فیروزآباد فارس رفت. سپس سر از یاسوج درآورد و چون او را شناختند و درصدد دستگیری اش برآمدند، به گجساران رفت و بالأخره راه اهواز را در پیش گرفت. مدتی هم در آنجا بود و چون انقلاب اوج گرفت به شهرضا بازگشت تا در شهر خود فعالیتش را تشدید کند. در شهرضا روزی در تظاهرات قطع نامه ای تند را قرائت کرد که باعث صدور دستور ترور یا اعدام او از سوی سرلشکر ناجی، فرمانده نظامی اصفهان شد، ولی نتوانستند او را پیدا کنند.

وقتی انقلاب به پیروزی رسید، همت با دوستانش نخست کمیته انقلاب اسلامی را تأسیس کرد و بعداً نیز سپاه پاسداران این شهر را بنیان گذاشت.

جنگ

همت در مهرماه ۵۹ به کردستان رفت و با همکاری زنده یاد احمد متوسلیمان خدمات بسیاری انجام داد که مهم ترین آنها عملیاتی بود که در مهرماه ۶۰ انجام شد و توانست حزب روزگاری را که در کردستان از حمایت برخوردار بود، متلاشی و نابود کند. این عملیات، عملیات محمد رسول الله نام داشت که آن را رزمندگان تیپ محمد رسول الله (ص) به انجام رساندند. همین تیپ بعداً به خواست سردار محسن رضایی، فرمانده کل سپاه پاسداران، به جنوب انتقال یافت و به لشکر محمد رسول الله ارتقا پیدا کرد و محمد ابراهیم همت به فرماندهی آن انتخاب شد.

عملیات خیبر و شهادت

این عملیات نخستین عملیات آبی - خاکی دفاع مقدس بود که در منطقه هورالعظیم اجرا شد و هدف آن عقب راندن دشمن و حفظ جزایر مجنون بود و در آن سرداران بزرگی چون همت، حمید باکری، حمیدرضا گلکار و غلامعلی بدرافکن به شهادت رسیدند. در این عملیات شهید همت به رزمندگان تحت امرش گفت: «یا همه این جاشهید می شویم یا جزیره مجنون را نگه می داریم»

رزمندگان نیز با تمام توان ایستادگی کردند. اما هنگامی که خود فرمانده جلوتر رفت تا خطوط مقدم را از نزدیک بررسی کند، گلوله توپ در کنارش فرود آمد و این سردار دلآور را همراه با معاونش اکبر زجاجی به شهادت رساند. آن روز، روز ۲۴ اسفند ۱۳۶۲ بود. همت از ستارگان دفاع مقدس به شمار می آید. معلمی بود که مدرسه را رها کرد تا در کلاسی به وسعت کوهستانهای غرب و صحراهای جنوب درس عشق و آزادی و دفاع از حریت و حیثیت ایران، انقلاب اسلامی و مردم کشورش را بیاموزد و بیاموزاند. مردی بود روشن اندیش، آگاه به مسائل سیاسی منطقه و آماده برای جان فشانی. هنگامی که دشمن برای بازپس گیری جزایر مجنون هجوم آورده بود، خطاب به رزمندگان چنین گفت: «برادران، امروز مسئله ما مسئله اسلام و حفظ و حراست از حریم قرآنی است. بدون

تردید یا همه باید پرچم سرخ عاشورایی حسین (ع) را به دوش کشیم... یا این که پرچم ذلت و تسلیم را در مقابل دشمنان خدا بالا ببریم»

عمر همت کوتاه بود. ۲۸ سال بیشتر در این جهان نزیست. از هنگامی که در سال ۶۰ با همسرش خانم ژایلا بدیهیان زندگی مشترک را آغاز کردند، بیش از دو سال زندگی نکرد. این مدت هم همواره دور از خانواده در جبهه به سر می برد. او دو فرزند از خود به یادگار گذاشت. فرزند بزرگ تر را فقط شش بار و فرزند کوچک تر را فقط یکبار دید و در آغوش گرفت. هنگامی که به شهادت رسید، پیکرش را به تهران آوردند تا در بهشت زهرا به خاک سپارند، اما به اصرار خانواده اش به شهرضا، زادگاه او، بردند و در آنجا به خاک سپردند. با این حال، سنگ یادبودی به یاد وی در بهشت زهرا نصب کردند تا همزمانش در لشکر محمد رسول الله را تشفی خاطر می باشد.

سال شمار زندگی

- ۱۳۳۴: تولد در شهرضا
- ۱۳۵۲: گرفتن دیپلم
- ۱۳۵۲: ورود به دانش سرای راهنمایی اصفهان
- ۱۳۵۴: پایان تحصیل و دریافت مدرک تربیت معلم
- ۱۳۵۴: اعزام به خدمت نظام وظیفه
- ۱۳۵۶: تدریس در مدارس راهنمایی شهرضا
- ۱۳۵۸: ورود به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- ۱۳۵۹: اعزام به کردستان و شهرستان پاوه
- ۱۳۶۰: شرکت در عملیات روح الله در کردستان
- ۱۳۶۰: پذیرفتن مسئولیت فرماندهی سپاه پاوه
- ۱۳۶۰: زیارت خانه خدا
- ۱۳۶۰: ازدواج با خانم زاله بدیهیان
- ۱۳۶۰: عزیمت به جبهه های جنوب
- ۱۳۶۰: شرکت در عملیات فتح المبین
- ۱۳۶۱: شرکت در عملیات بزرگ بیت المقدس و آزادی خوشهر
- ۱۳۶۱: فرماندهی عملیات بزرگ رمضان
- ۱۳۶۱: فرماندهی عملیات مسلم بن عقیل
- ۱۳۶۲: فرماندهی عملیات بزرگ خیبر
- ۱۳۶۲: شهادت (۶۲/۱۲/۲۴)